

بررسی جایگاه مدیریت منابع مشترک مرزی در همگرایی بین کشورها در خلیج فارس

محسن جان‌پرور^۱

چکیده

در زمینه اهمیت و نقش برجسته ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خلیج فارس و همچنین علل و عوامل همگرایی و واگرایی در خلیج فارس مطالب و مقالات بسیاری از سوی اندیشمندان و صاحب نظران بیان شده است. حتی در زمینه مرزها و چگونگی شکل‌گیری آنها در خلیج فارس مطالب و مقالات بسیاری وجود دارد. اما متأسفانه با وجود اهمیت و نقش مدیریت مرزها که زمینه ثبات و روابط فرامرزی صلح آمیز بین کشورهای همجوار را فراهم می‌آورد و درک روش‌های آن جایگاه مهمی برای کاهش کشمکش‌ها و ناآرامی‌های مرزی دارد و می‌تواند فرصت‌ها و ظرفیت‌های بالای نواحی مرزی را در راستای دستیابی به همکاری‌های دو جانبه و همگرایی با کشورهای همجوار تبدیل کند، هنوز توجه زیادی به آن صورت نگرفته است. در این بین، یکی از چالش‌های مهمی که زمینه‌های عدم همگرایی و روابط دوجانبه و چندجانبه بین کشورهای خلیج فارس را به وجود آورده است عدم مدیریت منابع نفتی و گازی مشترک مرزی بین این کشورها است. بطوری که این عدم مدیریت سبب شکل‌گیری دشمنی‌ها، سوء استفاده‌ها و سوء تفاهم‌ها در بین کشورهای خلیج فارس شده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و براساس مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی، اینترنتی انجام شده است و تلاش دارد تا شکاف بین مطالعات جغرافیایی با مدیریت مرزی را در مدیریت منابع مشترک مرزی در خلیج فارس بین کشور ایران و همسایگان از بین ببرد و هدف کلی آن ارائه الگویی برای مدیریت منابع مشترک مرزی ایران با همسایگان در خلیج فارس جهت فراهم ساختن زمینه همگرایی بین کشورهای ساحلی است.

واژگان کلیدی: خلیج فارس، مدیریت مرز، منابع مشترک مرزی، همگرایی

۱ - استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد janparvar@um.ac.ir

مقدمه

امروزه با توجه به تحولات صورت گرفته در جهان از جمله جهانی شدن، ورود به عصر اطلاعات بسیار مشکل است که کشورها به تنهایی و به صورت انفرادی بتوانند منافع ملی خود را در سطح جهان پیگیری کنند و به بقاء خود ادامه دهند. چرا که به دلیل پیوندها و وابستگی‌هایی که بین کشورها ایجاد شده است و همچنین بی‌ثباتی سیاسی و ضعف‌های استراتژیکی بسیاری از کشورها تأمین امنیت ملی به تنهایی تقریباً غیرممکن است. بنابراین کشورها برای تأمین امنیت و منافع ملی خود همکاری و همراهی را امر معقول و مطلوب می‌بینند. در این راستا است که، فرامرزی شدن منافع و خواست‌های ملی کشورها در دهه‌های پایانی قرن بیستم (جهانی شدن‌ها) را سبب شده است. جهانی شدن اقتصاد بازار آزاد و اقتصادی شدن نظام جهانی که از دهه پایانی قرن بیستم سرعت زیادی پیدا کرد، رقابت‌های ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک را در جهان رونق فراوانی داده است. این دگرگونی پراهمیت در نظام جهانی سبب تشویق منطقه‌گرایی و روی آوردن به همکاری‌ها و گروه بندی‌های همگرایی‌های منطقه‌ای برای واقعیت بخشیدن به رقابت‌های موثر میان منطقه‌های جهان در نظام شکل‌گیرنده ژئوپلیتیک جهانی دوران پست‌مدرن گردیده است (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۰۳-۲۰۲). به دیگر سخن، سازگاری و تطابق با شرایط جدید بین‌المللی و سوق دادن آن در راستای سیاست خارجی خود به تنهایی از عهده هر بازیگر و دولت منفرد خارج بوده و نیازمند یک نیروی جمعی می‌باشد. به همین جهت بعد از جنگ جهانی دوم تا امروز نظام بین‌الملل شاهد شکل‌گیری تعداد زیادی از سازمان‌ها و نظام‌های منطقه‌ای بوده است. که برای تأمین ثبات سیاسی-اقتصادی منطقه‌ای و موازنه قدرت به وجود آمده‌اند. سیاست منطقه‌گرایی با استفاده از ظرفیت‌های منطقه‌ای و بهره‌برداری از حاصل جمع توان کشورها ضمن هموار ساختن مسیر رشد و توسعه، نیروی مضاعفی را در برطرف ساختن مشکلات داخلی و منطقه‌ای و عدم آسیب‌پذیری در برابر جریان‌ات بین‌المللی به وجود می‌آورد. از سوی دیگر، در دنیای پر تحول امروز که همکاری‌های منطقه‌ای اهمیت وافری یافته است، توجه به عامل توافق‌ها و تعارض‌ها و سعی در افزایش و تقویت همکاری‌ها و همگرایی‌ها می‌تواند به سود منافع ملی و استحکام امنیت کشورهای منطقه باشد.

در این بین، حوضه خلیج فارس به عنوان یک حوضه با قابلیت‌های بالا به لحاظ سیاسی، اقتصادی، و همچنین دارا بودن منابع انرژی زیاد ظرفیت‌های خیلی بالایی برای ایجاد یک سازمان منطقه‌ای قدرتمند را دارا می‌باشد و می‌تواند با شکل‌دهی به این نظام منطقه‌ای^۱ در جهت دست-

۱- در این تحقیق نظام منطقه‌ای با سازمان منطقه‌ای هم‌معنی گرفته شده است و اگر در جاهای مختلف بصورت متفاوت بکار برده شده است نشان‌دهنده تفاوت نیست.

یابی به نظم، امنیت کشورهای حوضه خلیج فارس و همچنین بدست آوردن توان بالای مانور در سطح بین‌المللی در راستای دستیابی به اهداف کشورهای سازمان اقدام نماید. اهمیت خلیج فارس از دیرباز مخصوصاً در چند دهه اخیر، باعث تبادل پیام‌های تنش‌زایی درون منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. لذا پیگیری راه و روش‌های حل بحران و دوری‌گزیدن از روش‌های قهرآمیز در راستای همگرایی اجتناب‌ناپذیر است. یکی از ویژگی‌های مهم که زمینه همکاری کشورهای همکرانه خلیج فارس را به وجود می‌آورد وجود منابع مشترک در مرز این کشورها است. هر چند متأسفانه همیشه با دید منفی و چالش‌زا به مرزها نگاه شده است اما باید توجه داشت که مرزها دارای کارکردهای متعددی هستند که کارکرد ارتباط‌دهنده آنها کمتر دیده شده است. مرزها اگر به صورت بهینه مدیریت شوند می‌توانند به عنوان عامل ارتباط‌دهنده کشورهای همجوار عمل کنند و زمینه همگرایی و همکاری بین کشورها را به وجود آورند. با توجه به این نقش برجسته مدیریت مرزها در ایجاد پیوند و همگرایی و همچنین وجود منابع مشترک مرزی متعدد بین کشورهای خلیج فارس که از جمله آن منابع نفتی/گازی مشترک مرزی بین آنهاست. بر این اساس در این مقاله سعی شده است جایگاه مدیریت منابع مشترک مرزی را در کاهش چالش‌ها و برطرف کردن دیدگاه‌های منفی نسبت به همسایگان و در ادامه همگرایی بین کشورهای خلیج فارس را بیان کند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و براساس مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی، اینترنتی انجام شده است. این تحقیق با توجه به رویکرد جغرافیای سیاسی آن، اولین تحقیق علمی-جغرافیایی-سیاسی در تبیین جایگاه مدیریت منابع مشترک مرزی در همگرایی بین کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌باشد. پژوهش حاضر دارای اشتراکات و همپوشانی با رشته‌های حقوق بین‌الملل، مدیریت و روابط بین‌الملل می‌باشد اما شاکله اصلی و تمرکز اصلی این پژوهش جغرافیای سیاسی است. سوال اصلی این مقاله عبارت است از این که، مدیریت منابع مشترک مرزی بین کشورهای دارای مرزهای مشترک در خلیج فارس چه جایگاهی می‌تواند در همگرایی بین آنها داشته باشد؟

مبانی نظری

منابع مشترک مرزی

مرزها به صورت‌های مختلف زمین و فضای جغرافیایی را بین دو کشور تقسیم می‌کنند و ممکن است در طول فضای جغرافیایی تقسیم شده بین دو کشور منابع و معادنی وجود داشته باشد که به

وسیله مرزهای بین دو کشور تقسیم شده باشد. به این منابع به اصطلاح منابع طبیعی فرامرزی^۱ می‌گویند این منابع در معنای خود شامل هر نوع منابع طبیعی می‌گردد که در شکل و حالت طبیعی خود و بدون دخالت انسان قادر به عبور از مرزهای سیاسی یک کشور می‌باشد. میدان‌های نفت و گاز مشترک به دلیل گستره جغرافیایی آنها و تعلق به بیش از یک کشور مصداق بارز این منابع می‌باشند (میرعباسی و جهانی، ۱۳۹۰: ۹۲). در این راستا از آنجا که بیشتر مرزهای بین‌المللی از درون مناطق غنی از نظر منابع طبیعی عبور می‌کنند این امر سبب شده است که این منابع مشترک به مکان‌هایی برای رقابت و چالش بین دو کشور تبدیل شوند و دستیابی به الگوی مناسب مدیریت مرزی را سخت‌تر کنند. هر چند اگر بتوان منابع مشترک مرزی را به صورت بهینه-ای مدیریت کرد می‌توان زمینه‌های همگرایی و همکاری دوجانبه و چندجانبه بین کشورهای دارنده آنها را فراهم کند و از به وجود آمدن ذهنیت‌ها و چالش‌های ناشی از بهره‌برداری‌های یک‌جانبه، میزان برداشت و ... در بین دو کشور جلوگیری کرد. بر این اساس می‌توان گفت منابع مشترک مرزی به دو صورت عامل پیونددهنده دو کشور دارنده و عامل چالش‌زا (چیزی که الان بیشتر وجود دارد) بین دو کشور دارنده می‌تواند عمل کند. لذا برای دستیابی به الگوی بهینه مدیریت مرزی باید بتوان از طریق ایجاد توافق بین طرفین و قانونمند کردن بهره‌برداری، سرمایه‌گذاری و ... در منابع مشترک بین دو کشور زمینه همکاری و تعامل آنها را فراهم کرد (جان‌پرور، ۱۳۹۱: ۷۲).

مدیریت مرز

مدیریت مرز اغلب به روش‌ها و فن‌آوری‌هایی که به افراد، دولت‌ها و حکومت‌ها کمک می‌کند تا مسائل مرزی، عبور مرور افراد و کالا، استفاده بهینه از منابع مشترک و ... را منطبق با قوانین و مقررات کشور انجام دهند، اشاره می‌کند. مدیریت مرز بیش از کنترل مرزی که گمان می‌شود مسوولیت رسیدگی به عبور و مرور افراد، کالاها، منابع مرزی و ... داشته باشد با امنیت ملی کشور ارتباط دارد. به عبارت ساده‌تر «مدیریت مرز مکانیسمی برای تضمین امنیت مرزهای ملی و برای تنظیم حرکات قانونی در طول مرزها برای دستیابی به نیازهای متفاوت ملت توسط ارتباط فرهنگی - اجتماعی - اقتصادی می‌باشد، که از طریق مرزها فراهم می‌گردد». بنابراین واژه مدیریت مرز یک واژه گسترده‌تری است که محدوده کنترل امور اجرایی مرزها شامل اطمینان از حفظ حرمت آنها را مشخص می‌کند. به بیان دیگر مدیریت مرزها را می‌توان به عنوان تنظیم رابطه‌ای قاعده‌مند و حساب‌شده بیان کرد که از طریق آن بتوان مرزهای کشور در عرصه‌های مختلف را تا حد امکان باز گذاشت تا روابط، عبور و مرور افراد، کالاها، اطلاعات و ... به راحتی از طریق آن

1- Trans Boundary Natural Resources

جریان داشته باشند و از سوی دیگر مرزها را تا آن حد بسته نگاه داشت که ناامنی‌ها، بی‌نظمی‌ها و سایر چالش‌ها و مسائل فراسوی مرزها نتواند وارد فضای کشور و جامعه شده و زمینه بی‌نظمی و ناامنی را در کشور به وجود آورد (Janparvar & Others, 2014: 61-62).

همگرایی^۱

تعاریف مختلفی از همگرایی شده است بعضی آن را یک فرایند، گاه وضعیت نهایی وحدت سیاسی در روابط واحدهای مستقل تعبیر کرده‌اند. این تفاوت نگرشی از اختلافات سلیقه‌ای است که تحلیل‌گران از موضوع وحدت دارند (کاظمی، ۱۳۷۰: ۳۶). به عنوان مثال ارنست‌هااس^۲ از جمله کسانی است که معتقد است همگرایی یک فرآیند است که حول محور آن بازیگران سیاسی و دولت‌های مستقل در کشورهای مختلف به این باور تن می‌دهند که نفع آنها در تجمع و وحدت در تأسیس متمرکز جدیدی است که جایگزین دولت‌های ملی شود (Haas, 1958: 16). همگرایی واژه‌ای است که در برابر واگرایی^۳ مطرح می‌گردد و عبارت است از فرایندی که دولت‌ها یا واحدهای سیاسی مجزا از هم بطور داوطلبانه و آگاهانه از قسمتی از اقتدار خود و اعمال آن، جهات دستیابی به اهداف مشترکشان صرف نظر کرده و از یک قدرت ما فوق ملی تبعیت نمایند. در همگرایی تلاش بر این است که عوامل اختلاف‌زا و زمینه‌های ناسیونالیستی همچون وفاداری‌های ملی و احساسات ناسیونالیسی و ... را کنار بگذارند.

همچنین روند همگرایی به عنوان نظریه‌ای که به دنبال صلح و ثبات است که پس از جنگ جهانی دوم مطرح شده است و امروزه آنچنان فراگیر شده است که کشورهای مختلف جهان را به آن متمایل ساخته است تا از طریق آن صلح و امنیت را به وجود آورند و ضریب امنیت خود را افزایش دهند (محمودی، ۱۳۸۱: ۳۲).

مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس

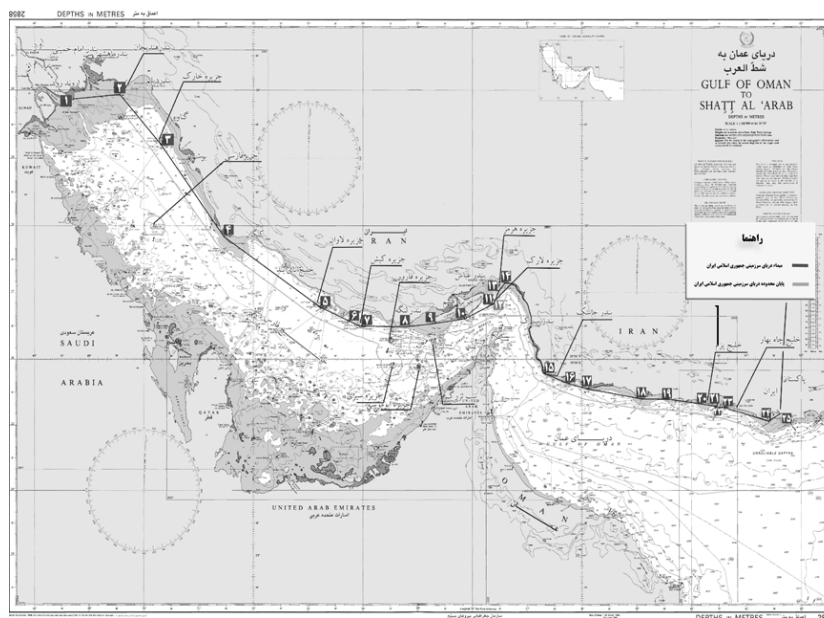
در واقع با پیدایش نفت در خلیج فارس، مسئله سرحدات مرزی آبی و خاکی و حدود قلمرو حاکمیت کشورهای ساحلی مطرح شد و اختلاف‌ها و رقابت‌های سیاسی جنبه ملموس پیدا کرد. قبل از آن دوران، مرزهای سیاسی کشورهای حاشیه خلیج فارس مبهم و نامشخص و حاکمیت آنها بر دریای مجاورشان مقوله‌ای نه در قلمرو حقوق بین‌الملل، بلکه در گرو قدرت و سیاست

1- Integration

2 -Ernest Haas

3- Disintegration

استعمارگران و بیگانگان بود. در حقیقت قلمرو حاکمیت شیوخ و دولت‌های حاشیه خلیج فارس، محدود به «مرزهای مصلحتی» با ترسیم خطوط مبهم می‌شد. به زبان دیگر اساس حاکمیت سرزمینی در مفهوم و تعبیر غربی آن مقوله‌ای ناشناخته بود و تنها محدوده استقرار قبیله‌ها ملاک تعیین مرزها محسوب می‌شد، حتی اکثر فرمانروایان سنتی این منطقه از تثبیت حدود مرزهای خود گریزان بودند؛ از جمله نقل می‌کنند که این سعود با پیشنهاد سرپرسی کاکس در مورد تثبیت مرزها ناخشنود بود. توجیه ساده و بعضاً منطقی این مخالفت این بود که حکمرانان سنت‌گرا و روسای قبایل این منطقه فایده اندکی در ترسیم خطوط مجازی در پهنه کویرها و شنزارها می‌دیدند. آنچه در این وادی بی‌آب و علف مهم به حساب می‌آمد، وجود چاه و چشمه آب در واحه‌ای کوچک با چند نخل خرما بود. در جهت مقابل در ناحیه شمالی خلیج فارس، مسئله تحدید حدود مرزی شکل پیشرفته‌تری داشت و قواعد حقوقی- سیاسی حاکم در غرب ناظر بر حدود حاکمیت دولت ایران بر قلمرو خشکی و آبی و جزایر از اعتبار و ملاک خاصی برخوردار بود (کازمی، ۱۳۷۴: ۲-۳). به طوری که، قبل از آن که که کشورهای کنونی جنوبی خلیج فارس بر روی نقشه‌های جهان پیدا شوند در مناطق شمالی آن ایران، عثمانی، هند و سایر قدرت‌های موجود، بخش زیادی از مرزهای خود را مشخص و محدوده‌های خود را تعیین کرده بودند. اما در کرانه‌های جنوبی خلیج فارس که قدرت‌های خارجی قرن‌ها در آن حضور داشته و به نوعی آن را اداره می‌کردند تعیین مرزها همچنان مبهم و نامشخص بود. از نیمه دوم قرن بیستم به تدریج تعیین مرزهای سیاسی اهمیت پیدا کرد و کشورهای منطقه شروع به تعیین مرزهای خود کردند (ربیعی، ۱۳۸۸: ۱۰۳). در این راستا، کشور ایران مرزهای خود در این قلمرو دریایی (دریای عمان و خلیج فارس) را، در چهارچوب قوانین ملی و متأثر از قواعد بین‌المللی شروع به تعیین کرد و اولین قانون دریایی خود را در سال ۱۳۱۳.ش/۱۹۳۳ م و دومین قانون را در سال ۱۳۳۸.ش/۱۹۵۹ م به تصویب رساند. سومین قانون دریایی ایران در چهارچوب کنوانسیون ۱۹۸۲ در تاریخ ۳۱ فروردین ۱۳۷۲.ش به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و امروزه ملاک تحدید حدود مناطق دریایی ایران در دریای عمان و خلیج فارس محسوب می‌شود. در این قانون، تصویب‌نامه مورخ ۱۳۵۲.ش هیأت وزیران در خصوص تعیین خط مبدأ و آبهای داخلی ایران نیز مورد تأیید قرار گرفته است. مطابق این مصوبه خط مبدأ ایران که مبنای تعیین حدود سایر مناطق دریایی است، از دهانه فاو تا خلیج گواتر ۲۵ نقطه مشخص دارد (نقشه (۱) (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۳۳۷).



(نقشه شماره ۱): نقاط ترسیم خط مبدأ و محدوده دریای سرزمین در جنوب جمهوری اسلامی ایران

یافته‌ها

مدیریت مرز و همگرایی

رمز بقای حکومت در دارا بودن توان دگرگون‌شدن در راستای تطبیق یافتن با پیشرفت‌های فکری سیاسی، اجتماعی در جامعه و در جهان نهفته است. این حکمی است که با قانون یا اصل «تدریجی» (evolution) پدیده‌های زنده هماهنگی دارد (مجتهدزاده و عسکری، ۱۳۸۴: ۲۱). یکی از این پیشرفت‌های صورت گرفته در جهان فرایند منطقه‌گرایی است که از دهه ۱۹۸۰ میلادی به تدریج مورد توجه قرار گرفته است و منشور سازمان ملل متحد نیز در برخی از فصول خود بر آن صحنه گذارده و کشورها را به حل و فصل دعاوی و اختلافات خود در چارچوب توسل به ترتیبات منطقه‌ای تشویق نموده است. لذا برخی کشورها به تکوین و تکامل روندهای همگرایی میان خود و همسایگان‌شان پرداخته‌اند تا بتوانند با این کار زمینه بقای خود را با این تحولات که در جهان صورت گرفته تطبیق دهند. در این بین، کشورهای نزدیک به هم از نظر جغرافیایی غالباً مناطق ارتباط سیاسی دو جانبه را شکل می‌دهند و سیاست خارجی آنها به شدت از همسایگان‌شان تأثیر می‌پذیرد. این تأثیرپذیری به‌ویژه بر اساس اندازه‌های طبیعی و سطح چسبندگی، ماهیت ارتباط

بین کشورها و ساختار روابط میان آنها می باشد. بنابراین ویژگی‌های مشترک جغرافیایی، زیر ساخت رفتارهای همگرایی منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد (حافظنیا، ۱۳۸۳: ۷۳-۶۱).

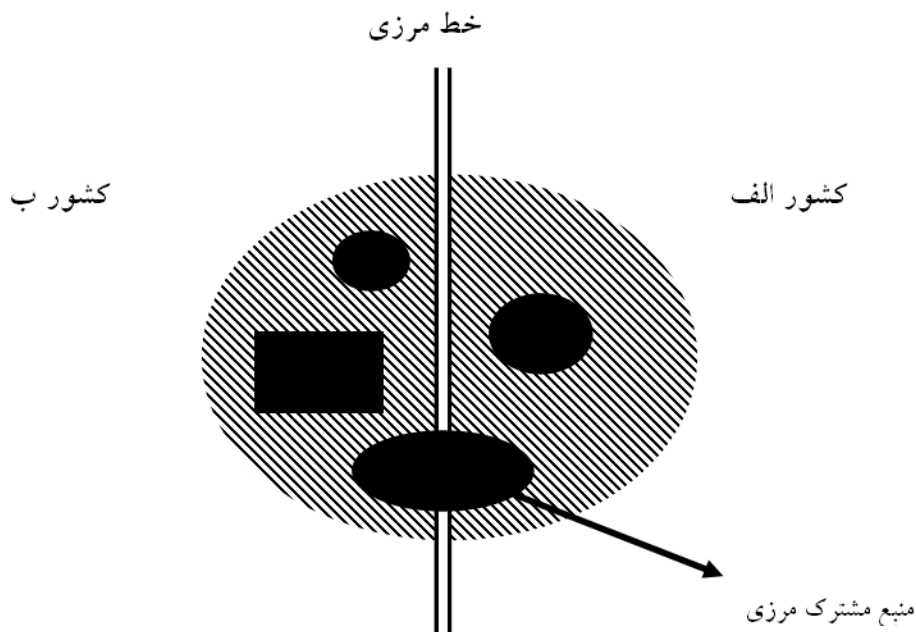
در راستای این تحولات صورت گرفته کشورهای حوضه خلیج فارس نمی‌توانند خود را از این روند جهانی جدا کنند و فرار کنند زیرا نیاز و وابستگی روز افزون کشورها به یکدیگر برای برقراری امنیت، تأمین منافع ملی این امر را اجتناب ناپذیر می‌کند. در این بین درباره زمینه‌های همگرایی و واگرایی بین کشورهای خلیج فارس به صورت‌های مختلف و در غالب کتب و مقالات متعدد مورد بحث قرار گرفته است اما یکی از زمینه‌های مهم این امر که می‌تواند سبب همگرایی و همکاری کشورهای خلیج فارس را فراهم کند و با توجه به تحولات و دگرگونی‌های صورت گرفته در جهان جایگاه آن برجسته‌تر می‌شود مدیریت بهینه مرزها می‌باشد که توانایی بالایی در کاهش چالش‌ها و مسائل ناشی از تحولات صورت گرفته در فضای جهانی از یک سو و ایجاد همگرایی و همکاری، تأمین منافع و امنیت ملی خود و شهروندان خود بین کشورهای همجوار از سوی دیگر دارا می‌باشد. مدیریت مرزها می‌تواند به ثبات و روابط فرامرزی صلح آمیز بین کشورها کمک کند. بر این اساس، درک روش‌های مدیریت مرزی جایگاه مهمی برای کاهش کشمکش‌ها و درگیری مرزهای ناآرام و ناامن دارد و می‌تواند از فرصت‌ها و ظرفیت‌های نواحی مرزی در راستای دستیابی به همکاری‌های دو جانبه بین دو کشور کمک بگیرد. این مدیریت و کنترل نه تنها با حرکت مردم و مهاجرت آنها بلکه از دیدگاه دیگر بطور ویژه با مخاطرات محیطی که بر کیفیت زندگی افراد در دو طرف مرز نیز در ارتباط می‌باشند نیز، بستگی دارد. شکل قابل توجه مدیریت مرزها با پروسه‌هایی که برای مهاجران وجود دارد، صورت می‌گیرد. این مدیریت نه تنها در بخش فیزیکی ورود این افراد به کشور انجام می‌گیرد بلکه در آژانس‌هایی که حقوق پایه‌ای را به مهاجران می‌دهند مانند امنیت اجتماعی، آموزش فرزندان و حمایت از اعضای خانواده ریشه دارند. این پروسه از مدیریت به صورت نزدیک با طبیعت ورود و خروج در ارتباط می‌باشد (Newman, 2003: 125-127). علاوه بر موارد ذکر شده در بالا در زمینه مدیریت مرز مسائل زیر نیز تعریف مدیریت خوب مرزها را در عصر جهانی شدن و قرن حاضر هنوز حیاتی باقی نگاه می‌دارند و وجود آنها را مورد تأیید قرار می‌دهند:

- مدیریت منابع مشترک مرزی
- روابط بین‌المللی خوب
- امنیت محلی و ملی
- مدیریت محلی موثر
- استفاده کارآمد از منابع
- شکوفائی مناطق مرزی (Pratt, 2007: 1)

بر این اساس، یاد گرفتن مهارت‌های مدیریت مرز برای برقراری روابط خوب میان دو کشور حیاتی است. به عنوان مثال اگر من یا شما بدانیم که مرز فضای شخصیمان در یک مکان عمومی مانند ترمینال‌ها به چه صورت است هیچ موقع به خود اجازه نمی‌دهیم که در این فضا سیگار بکشیم و حریم‌ها و مرزهای دیگران را از بین ببریم و زمینه ساز روابط بد بین خود و دیگران شویم. همچنین اگر ما طرف دیگر قضیه باشیم و مهارت‌های مدیریت مرز و حریم خود را که مورد تجاوز قرار گرفته است و زمینه ناراحتی ما را فراهم آورده است را بدانیم می‌توانیم به آسانی این مسئله را درک کرده و آن را اداره کنیم.

این امر در سطوح بالاتر مانند سطح حکومت‌ها نیز جریان دارد و حفاظت و حراست از پهنه سرزمینی، امنیت و منافع ملی در سراسر کره خاکی برای تمام کشورها یک ارزش به حساب می‌آید و ضمانت تحقق این امر نیز مدیریت مرزها و داشتن مرزهایی با امنیت کامل است (قالیباف و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۶). با وجود اهمیت مدیریت مرزها به ویژه در زمینه ایجاد همگرایی و همکاری بین کشورهای همسایه متأسفانه هنوز توجه زیادی از سوی محققان نسبت به مدیریت مرز صورت نگرفته است. با توجه به اینکه مرزهای بین‌المللی دارای ابعاد گسترده‌ای هستند و طبیعت آنها قابل تغییر است در این تحقیق مدیریت مرزهای دریایی در خلیج فارس مد نظر است و تمرکز اصلی تحقیق بر روی مدیریت مرزهای ایران با کشورهای همسایه در خلیج فارس (عمان، امارات متحده عربی، قطر، بحرین، کویت و عراق) می‌باشد. لازم به ذکر است که مدیریت مرز دارای جنبه‌های مختلفی است که جنبه‌های مهم آن عبارتند از: مدیریت بحران‌های مرزی، مدیریت حقوقی، مدیریت منابع مشترک مرزی، مدیریت زیست‌محیطی، مدیریت عبور و مرور انسان‌ها و مدیریت ورود و خروج کالاها.

با وجود جنبه‌های مختلف مدیریت مرزی در اینجا مدیریت منابع مشترک مرزی مد نظر قرار گرفته است. این منابع در امتداد خط مرزی بین دو کشور یا چند کشور و در دو طرف مرزها قرار گرفته‌اند و کشورهای همسایه دارای مالکیت مشترکی بر این منابع می‌باشند. منابع مشترک مرزی اگر به صورت بهینه مدیریت شوند می‌توانند زمینه‌های همگرایی و همکاری دوجانبه و چندجانبه بین کشورهای دارنده آنها را فراهم کنند و از به وجود آمدن ذهنیت‌ها و چالش‌های ناشی از بهره‌برداری‌های یکجانبه، میزان برداشت و ... در بین دو کشور جلوگیری کنند. چگونگی قرارگیری این منابع مشترک مرزی بین دو کشور در شکل شماره ۱ آورده شده است.



(شکل شماره ۱): منبع مشترک مرزی بین دو کشور (افشردی و جان پرور، ۱۳۹۲: ۱۲۹)

منابع مشترک مرزی بین ایران و کشورهای خلیج فارس

کشورهای هم‌کرانه در خلیج فارس با یکدیگر دارای منابع مشترک مرزی متعددی هستند که بهره‌برداری بهینه و مدیریت شده آنها می‌تواند به صورت‌های مختلف زمینه همگرایی و همکاری دوجانبه و چندجانبه این کشورها را با یکدیگر فراهم آورد و در کنار سایر موارد مدیریت مرزی بهینه روند همگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس را توسعه دهد و زمینه شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای را فراهم آورد و چالش‌ها و مسائل ناشی از عدم همکاری بین کشورهای همکرانه خلیج فارس را تا حد بالایی از بین ببرد. منابع مشترک مرزی در خلیج فارس متعدد است که در اینجا به دلیل جلوگیری از اطاله کلام فقط به منابع مشترک نفتی/گازی مرزی و آن هم بین ایران با کشورهای همسایه در خلیج فارس به صورت مختصر اشاره می‌شود و منابع مشترک مرزی دیگر و منابع مشترک مرزی بین دیگر کشورهای همسایه خلیج فارس با یکدیگر که می‌توانند سبب همگرایی و همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه در بین کشورهای هم‌مرز در خلیج فارس شوند و روند شکل‌گیری نظام منطقه‌ای در خلیج فارس را توسعه دهند، بیان نمی‌شود. منابع مشترک نفتی/گازی

مرزی شناخته شده بین ایران و کشورهای هم مرز در خلیج فارس حداقل ۱۵ عدد می‌باشد. این مخازن عبارتند از:

ایران و عراق: میدان نفتی نفت شهر

میدان نفتی نفت شهر در فاصله ۱۰۰ کیلومتر شمال غربی ایلام و ۲۳۰ کیلومتری جنوب غربی کرمانشاه واقع است. این میدان در سال ۱۹۲۳ در تاق‌دیس نفت شهر کشف گردید. میدان نفت خانه بخش عراقی میدان نفت شهر، در سال ۱۹۲۷ توسط شرکت نفت انگلیسی و عراق کشف کرد.

ایران و عراق: میدان نفتی دهلران

میدان دهلران در سال ۱۳۵۱ کشف شد. میزان نفت خام در جای اولیه این میدان ۴۲۱۲ میلیون بشکه است که ۶۳۵ میلیون آن را می‌توان برداشت کرد. همچنین این میدان دارای کلاهدک گازی می‌باشد.

ایران و عراق: میدان نفتی پایدار غربی

این میدان در سال ۱۳۵۹ کشف گردید. سازندهای آسماری و گروه بنگستان (بویژه سروک) در این میدان سنگ مخزن می‌باشند. این میدان دارای کلاهدک گازی و نفتی با درصد سولفور ۱/۵ درصد است.

ایران و عراق: میدان آزادگان (آزادگان شمالی و جنوبی)

میدان عظیم نفتی آزادگان یکی از بزرگترین میدان نفتی ایران و جهان است که در سال ۱۳۷۶ کشف شده است. در محدوده‌ای به وسعت ۲۰ در ۷۵ کیلومتر در ۸۰ کیلومتری غرب اهواز در منطقه دشت آزادگان واقع است. میدان نفتی آزادگان به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود. میدان نفتی آزادگان شمالی در ۱۲۰ کیلومتری غرب اهواز، منطقه مرزی بین ایران و عراق واقع شده است.

ایران و عراق: میدان نفتی یادآوران (یا مخازن حسینیه / کوشک سابق)

میدان یادآوران از ترکیب دو میدان یا تاق‌دیس حسینیه و کوشک تشکیل شده است. تاق‌دیس حسینیه در ناحیه دزفول شمالی در مجاورت و به موازات خط مرزی و مشترک بین ایران و عراق و

چاه حسینی به فاصله ۲۱ کیلومتری شمال غربی چاه دارخوین ۲ و حدود ۴۳/۵ کیلومتری شمال غرب چاه خرمشهر ۱ و حدود ۳۰ کیلومتری جنوب چاه کوشک ۱ واقع شده است. تاقدیس کوشک در فاصله ۵۳ کیلومتری جنوب غرب ساختمان جفیر و ۲۲ کیلومتری جنوب شرق ساختمان آزادگان و ۸۰ کیلومتری جنوب غرب اهواز نزدیک مرز ایران و عراق قرار دارد. امتداد آن شمال غرب - جنوب شرقی می‌باشد.

ایران و کویت: میدان گازی/نفتی آرش

این میدان مشترک در بین ایران و کویت در سال ۱۳۷۹ کشف گردید. میدان نفتی و گازی آرش با نفت خام درجای اولیه ۴۵۷ میلیون بشکه در سازند گدوان و گاز درجای اولیه ۲۲/۵ میلیارد متر مکعب و ۸۳/۶ میلیون بشکه میعانات گازی در سازند فهلیان است.

ایران و عربستان: میدان نفتی اسفندیار

میدان یاد شده در سال ۱۳۴۵ در تاقدیس اسفندیار توسط شرکت آپیک کشف شد. میدان اسفندیار مشترک با عربستان دارای ۵۳۲ میلیون بشکه نفت خام درجا می‌باشد.

ایران و عربستان: میدان فروزان

میدان نفتی فروزان که قبل از انقلاب به نام فریدون خوانده می‌شد، یکی از میادینی است که توسط شرکت نفت پان آمریکن در سال ۱۹۶۶ در آب‌های فلات قاره ایران کشف شد. این میدان ۲۳۰۹ میلیون بشکه نفت خام درجا دارد.

ایران و عربستان: میادین گازی فرزاد A و B

این میادین از میادین کوچک گازی ایرانی در نزدیکی هم (جزیره فارسی) بلوک اکتشافی فارسی هستند. میدان گازی فرزاد B با ذخیره درجای حدود ۱۲/۵ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی دارد. بخش بسیار ناچیزی از ساختمان فرزاد A حصبه در قسمت ایرانی می‌باشد. در حالی که بخش اعظم ساختمان فرزاد B در آب‌های ایران واقع شده است. روند ساختمان فرزاد A به صورت شمال شرقی - جنوب غربی است در حالی که روند ساختمان فرزاد B به صورت شمال غربی - جنوب شرقی است.

ایران و قطر: میدان گازی/نفتی پارس جنوبی

بزرگترین ساختمان حاوی گاز در دنیا یعنی میادین پارس جنوبی - شمال قطر در بین ایران و قطر مشترک می‌باشند. بزرگترین میدان گازی جهان است که در خلیج فارس و در آب‌های سرزمینی

ایران و قطر واقع شده است. این میدان گازی بین ایران و قطر مشترک بوده و در کشور قطر میدان گازی گنبدشمالی نام دارد. مساحت این میدان ۹۷۰۰ کیلومتر مربع است که ۳۷۰۰ کیلومتر مربع آن در آب‌های سرزمینی ایران و ۶۰۰۰ کیلومتر مربع آن در آب‌های سرزمینی قطر قرار دارد (مصلح و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۴). اگرچه سازندهای گروه خامی و بنگستان نیز در این میادین دارای نفت می‌باشد. مهم‌ترین میدان گازی دریائی کشور دارای ۱۳۱۳۰ میلیارد متر مکعب گاز درجا است. هم اکنون ۲۸ تریلیون متر مکعب گاز درجا در کشور وجود دارد که نزدیک به ۵۰ درصد از ذخایر گازی کشور (۸ درصد کل مخازن گازی دنیا) تنها در میدان پارس جنوبی قرار دارد. این میدان همچنین دارای میعانات گازی در جای معادل ۱۸ هزار میلیون بشکه است. این میدان به همراه میادین پارس شمالی، گلشن و فردوسی تحت پوشش شرکت نفت و گاز پارس است.

ایران و امارات متحده: میدان نفتی/گازی سلمان

میدان سلمان (ساسان سابق) در سال ۱۳۴۴ (۱۹۶۵) در خلیج فارس و منطقه لاوان (تحت پوشش شرکت فلات قاره) کشف شد. ذخیره نفت خام میدان سلمان ۴۰۷۳ میلیون بشکه و گاز ۱۸۳/۵ میلیون متر مکعب گاز درجا است. این میدان با میدان نفتی ابوالبخوش ابوظبئی مشترک است.

ایران و امارات متحده: میدان نفتی فرزام

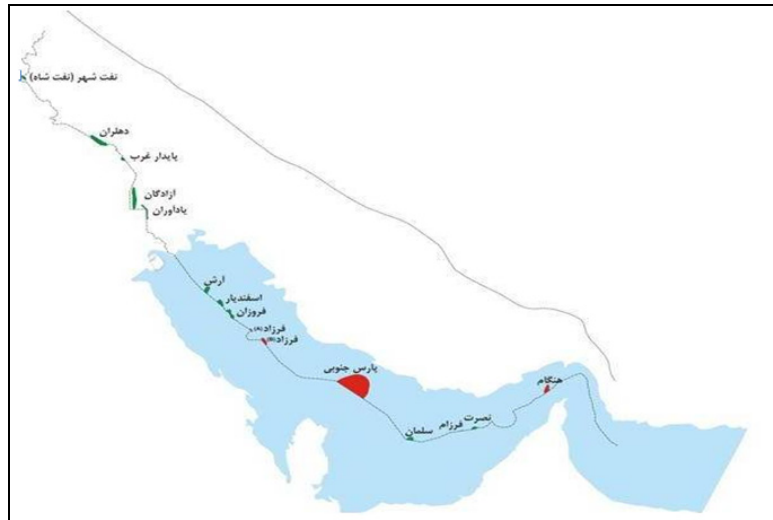
میدان فرزام بخش بسیار کوچکی از میدان فلاح امارات متحده عربی است که در آب‌های ایران (ناحیه سیری) واقع شده است. روند قرارگیری تاقدیس این میدان به صورت شمالی-جنوبی است.

ایران و امارات متحده: میدان نفتی نصرت

میدان نصرت در سال ۱۳۴۰ در ناحیه سیری توسط شرکت سوپیران کشف شد. مقدار نفت درجای این میدان ۱۸۸ میلیون بشکه می‌باشد.

ایران و عمان: میدان گازی هنگام

تنها میدان مشترک ایران با کشور عمان میدان هنگام می‌باشد که در گذشته به نام (HE-E1) مشهور بوده است. این میدان توسط شرکت سوپیران در سال ۱۳۵۴ کشف گردید. گاز درجایی برابر با حجم ۲۲/۴ میلیارد متر مکعب در سازندهای ایلام و سروک در این میدان وجود دارد (جان‌پور، ۱۳۹۱: ۵۷).



(نقشه شماره ۲): منابع مشترک مرزی بین ایران و همسایگان در خلیج فارس

تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری

همگرایی به عنوان نظریه‌ای که به دنبال صلح و ثبات است یک فرایند یا وضعیت است که بویژه پس از جنگ جهانی دوم آنچنان فراگیر شده است که کشورهای مختلف جهان در اکثر نواحی به چنین فرایندی متمایل شده‌اند تا از این طریق تنش و درگیری بین خود را به حداقل برسانند و ضریب امنیتی خویش را افزایش دهند. در این بین، منطقه استراتژیک خلیج فارس نیز از این امر مستثنی نخواهد بود. این کشورها خود را نمی‌توانند از این روند جهانی دور نگه دارند و برای اینکه بتوانند امنیت ملی، منافع ملی و جایگاه برجسته خود را به لحاظ ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی در نظام جهانی و مبادلات بین‌المللی بالا ببرند نیازمند ثبات منطقه‌ای و ایجاد همگرایی بین خود هستند. در این راستا کشورهای خلیج فارس باید بتوانند عوامل و چالش‌هایی که زمینه‌های واگرایی را در بین این کشورها ایجاد می‌کنند را کاهش داده و از بین ببرند و بر عوامل و زمینه‌های مشترک بین خود برای ایجاد همگرایی و شکل‌گیری روند سازمان منطقه‌ای در منطقه خلیج فارس تلاش کنند. در این بین یکی از عواملی که در خلیج فارس می‌تواند زمینه ساز همگرایی و ثبات منطقه‌ای را بین کشورهای هر کرانه خلیج فارس ایجاد کند، مدیریت مرز در خلیج فارس می‌باشد. چون با روند وابستگی‌ها و فرایند جهانی شدن‌ها در قرن بیست و یکم دیگر کشورها نمی‌توانند حتی نیازهای آنها نمی‌گذارد که بخواهند مرزهای خود را مسدود کنند کشورها برای اینکه بتوانند از این فرایند بهره ببرند و از سوی دیگر چالش‌های ناشی از آن را تا حد امکان بین خود کاهش

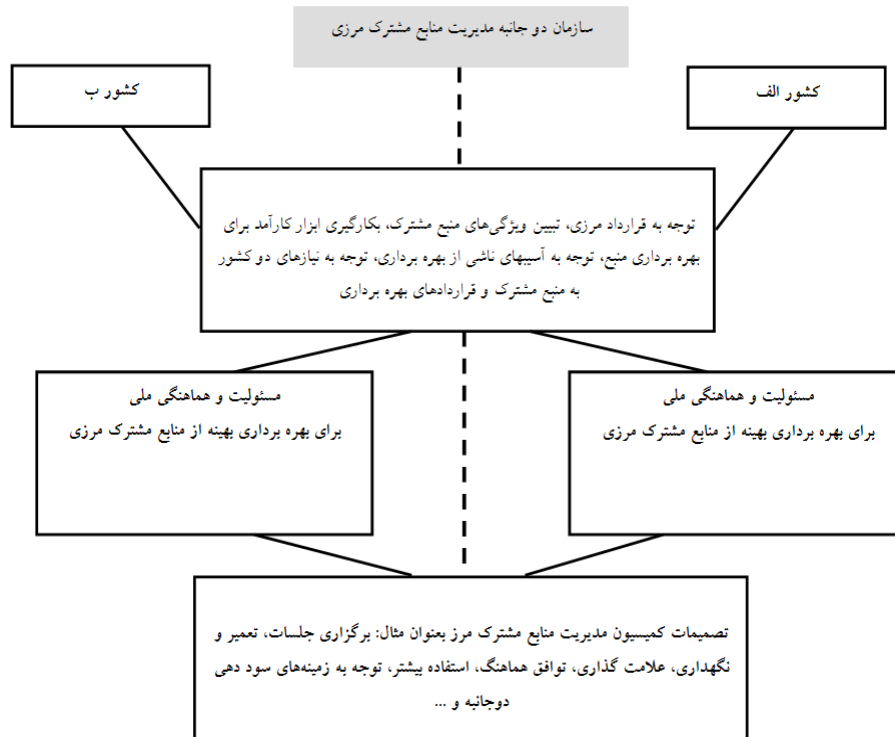
بدهند نیازمند آن هستند که مرزهای خود را به صورت قاعده‌مندی مدیریت کنند. همچنین کشورهایی که در راستای تشکیل یک سازمان منطقه‌ای و همگرایی منطقه‌ای نیز می‌باشند از این قاعده مستثنی نیستند به عنوان مثال در این زمینه می‌توان اتحادیه اروپا را ذکر کرد که به صورت کامل و قاعده‌مندی در سطوح مختلف مرزهای خود را مدیریت می‌کند. کشورهای هم‌کرانه خلیج فارس که هر کدام حداقل با چند کشور در خلیج فارس هم مرزی می‌باشند برای اینکه بتوانند به سوی یک همگرایی منطقه‌ای بروند پیش زمینه و شروع این امر مدیریت مرزهایشان در خلیج فارس می‌باشد. این کشورها باید با دید جامع‌تر و وسیع‌تری به مرزها نگاه کنند و مرزها را در بین خود به عنوان عامل جداکننده بحساب نیاورند آنها باید کارکردها و فرصت‌های دیگری که مرزها از جمله ایجاد زمینه‌های همکاری، ارتباط، فرصت‌های اقتصادی و ... را که در اختیار کشورها قرار می‌دهند را نیز در نظر بگیرند و این کار زمانی قابل انجام است که بتوانند مرزهای خود را در خلیج فارس به صورت قاعده‌مندی مدیریت کنند.

مدیریت مرزها دارای ابعاد متعدد و گوناگونی می‌شود که شش بعد آن که دارای اهمیت نسبتاً بالاتری از سایر ابعاد دارند عبارتند از: مدیریت منابع مشترک مرزی، مدیریت حقوقی مرز، مدیریت عبور و مرور مرزی انسان‌ها، مدیریت ورود و خروج کالاها، مدیریت محیط‌زیست و مدیریت بحران‌های مرزی. در این بین فقط به یکی از ابعاد مدیریت مرزی به عنوان عامل همگرایی در خلیج فارس اشاره شده است.

از آنجا که خلیج فارس دارای منابع سرشار گاز، نفت، ماهی و ... می‌باشد که به صورت مشترک در بین کشورهای هم‌کرانه خلیج فارس قرار دارند که به صورت‌های مختلف زمینه‌ساز چالش‌ها و مسائل بین کشورهای دارنده این منابع مشترک بوده است مدیریت بهینه منابع مشترک مرزی می‌تواند این چالش‌ها و ذهنیت‌های سوء نسبت به بهره‌برداری زیاد از منابع را تا حد امکان کاهش دهد و سبب ایجاد نوعی همگرایی و حس اعتماد و شکل‌گیری سازمان‌های مشترک دوجانبه برای مدیریت این منابع شود و زمینه‌های شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای قدرتمند و منطقه‌ای بدون چالش را در خلیج فارس فراهم کند. توانایی مدیریت مرزی موثر در خلیج فارس می‌تواند در بهبود روابط و کاهش چالش‌ها و ناامنی‌های این کشور با همسایگان تا حد امکان کمک کند. براین اساس، آغاز مبحث مدیریت مرزی به ویژه مدیریت منابع مشترک مرزی در مطالعات دانشگاهی در حوضه خلیج فارس می‌تواند کمک شایانی به همگرایی و همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه بین این کشورها بکند و چالش‌ها، درگیری‌ها، مسائل و تنش‌های مرتبط با این عوامل را تا حد بالایی بین کشورهای هم‌جوار در خلیج فارس کاهش دهد و در سطحی بالاتر خلیج فارس با پدیده‌های مشترک محیطی از جمله منابع مشترک مرزی این فرصت را برای کشورهای هم‌کرانه به وجود

می‌آورد که در راستای همگرایی و تشکیل یک سازمان منطقه‌ای گام بردارند. سازمان منطقه‌ای که برای بقای کشورهای منطقه در ژئوپلیتیک چند قطبی آیند امری ضروری است. همگون بودن زندگی اقتصادی و دلبستگی‌های استراتژیک مربوط، توأم با اهمیت جهانی این منطقه به خاطر ظرفیت گسترده تولید و صدور نفت و گاز، منابع مشترک مرزی و وابستگی‌های دیگر فرصتی ویژه را برای همگرایی کشورهای منطقه فراهم می‌آورد.

در یک جمع‌بندی کلی در این زمینه می‌توان گفت، بدون شک بقای حکومت‌ها در نظام ژئوپلیتیک قرن ۲۱ وابسته به درک موقعیت آنها از شرایط جهانی و توانایی آنها در ایجاد شرایط مناسب منطقه‌ای و داخلی جهت توسعه روابط همه جانبه به صورت‌های مختلف است. در این بین، مدیریت منابع مشترک مرزی نشان‌دهنده خطی فیزیکی تماس بین کشورها می‌باشند و فرصت‌هایی را برای همکاری و نزاع بین آنها فراهم می‌کند که می‌توان با مدیریت بهینه این منابع مشترک مرزی زمینه‌های همکاری بین کشورها را در خلیج فارس بالا برد و نزاع و درگیری‌های ناشی از آن را تا حد امکان بین کشورهای دارنده این منابع کاهش داد. در این راستا، حکومت‌ها برای اینکه بتوانند مرزها را به صورت موثر و کارآمد مدیریت و کنترل کنند و هزینه کمتری را برای این کار صرف کرده و کشمکش‌ها و چالش‌های مرزی را به حداقل ممکن برسانند نیازمند شکل دادن به یک سازمان و نهاد مرزی مشترک بین خود برای مدیریت منابع مشترک مرزی هستند که بتوانند با استفاده از آن منابع مشترک مرزی بین دو کشور را به صورت موثر مدیریت و کنترل کرده و زمینه‌های همکاری و روابط خوب را در امتداد مرزها بین دو کشور شکل دهند. الگوی عملکرد و مسوولیت‌های این سازمان در شکل شماره ۲ بیان شده است.



(شکل شماره ۲): منابع مشترک مرزی در همگرایی در خلیج فارس (منبع نگارنده)

منابع

- افشردی، محمدحسین، جان پرور، محسن (۱۳۹۲)، *الگوی مدیریت مرزهای سرزمینی (مورد پژوهی: مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس)*. تهران: دانشگاه عالی.
- جان پرور، محسن (۱۳۹۱)، *تبیین الگوی مدیریت مرز دریایی مورد خلیج فارس*. رساله دکتری رشته جغرافیای سیاسی، به راهنمایی دکتر محمدحسین افشردی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- جان پرور، محسن (۱۳۹۱)، *مدیریت مرز؛ حلقه گم شده هم‌گرایی و برقراری امنیت در خلیج فارس*، فصلنامه مطالعات خلیج فارس، سال نوزدهم، شماره چهارم.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، *جغرافیای سیاسی ایران*، تهران: سمت.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و کاویانی راد، مراد. (۱۳۸۳)، *افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی*. تهران: سمت.
- ربیعی، حسین (۱۳۸۸)، *نقش قدرت‌های منطقه‌ای در حل و فصل منازعات سرزمینی مورد: ایران در منطقه خلیج فارس در دهه ۷۰ میلادی*. رساله دکتری جغرافیای سیاسی. به راهنمایی دکتر پیروز مجتهدزاده. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- قالیباف، محمد باقر و دیگران. (۱۳۸۷)، *تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر امنیت مرزها مطالعه موردی: بخش مرزی نوسود شهرستان پاوه استان کرمانشاه*. فصلنامه ژئوپلیتیک. سال چهارم، شماره ۲. تابستان.
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۰)، *نظریه همگرایی در روابط بین‌الملل*. تهران: قومس.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹)، *خلیج فارس کشورها و مرزها*. تهران: عطایی.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*. تهران: سمت.
- مجتهدزاده، پیروز و عسگری، سهراب (۱۳۸۴)، *جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک*. تهران: پیام نور.
- محمودی، احمد (۱۳۸۱)، *ارتباط و روند همگرایی در منطقه خلیج فارس بین سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۰*، به راهنمایی سید جلال دهقانی فیروزآبادی. رشته علوم سیاسی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- مصلح، کامران و دیگران (۱۳۸۷)، *استفاده بهینه از منابع گازی در ایران*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- میرعباسی، سید باقر و جهانی، فرخزاد (۱۳۹۰). «*رژیم حقوقی بهره‌برداری از میادین مشترک نفت و گاز از دیدگاه حقوق بین‌الملل*، فصلنامه مطالعات راهبردی. شماره ۶۱.

- Cox, Kevin R. (2008). *Political Geography*. Los Angeles: SAGE Publication.
- Janparvar, Mohsen & Others (2014). *Border Management; as Strategy of States to Maintain Order and Security in the Country*. *Geopolitics Quarterly*, Volume: 9, No 4.
- Haas .Ernest. B (1958). *The Uniting of Europe*. Stanford.
- Newman, David. (2003). 'Boundaries'. *A Companion to Political Geography*. Jan Agnew. The United Kingdom. Blackwell publishing.
- Pratt, Martin. (2001). *Boundary- Making, Challenges & Opportunities*. IBRU. Durham University. UK.
- The Concise Oxford Dictionary, 1999: 864.